

تورسیم



گردشگران

دیدگاه

ایران مقاوم، ایران فرهنگی

و ایران الهام‌بخش برای جهانیان



■ **مهدی نورعلی**

دفاع مقدس، در معنای عمیق خویش، مدرسه‌ای است که در آن ملتِ ایران آموخت مقاومت نه صرفا به معنی ایستادگی در برابر دشمن، بلکه به معنای بازآفرینی اراده جمعی، تبدیل تجربه زیسته به سرمایه ملی و خلق گفتمانی نو در باب هویت و فرهنگ است. همان‌گونه که مورخین حافظه جمعی می‌گویند، تجربه‌های دردناک، وقتی روایت شوند، از زخم فردی به حافظه جمعی تبدیل می‌شوند و به ستون‌های مشروعیت ملی بدل می‌گردند؛ دفاع مقدس نمونه‌ای زنده از این فرآیند است.

با گذشت حدود سه‌ماه از پایان جنگ ۱۲ روزه تحمیلی رژیم صهیونیستی علیه ایران، این حافظه تاریخی بار دیگر در میدان عمل آزموده شد. این جنگ کوتاه اما پرمنا، نه‌تنها عرصه نظامی، بلکه میدان رسانه، سیاست و دیپلماسی بود؛ جایی‌که خرد راهبردی ایران توانست قدرت بازدارندگی، مشروعیت و نفوذ خود را تثبیت کند.

همان روحیه‌ای که در دهه شصت، ملت ایران را در برابر حملات پیوسته ایستاده معرفی کرد، امروز در قالب فناوری، رسانه و هوشمندی استراتژیک، توانست تصویر ایران را در سطح جهانی بازتعریف کند؛ ایرانی که از دل حافظه مقاومت تغذیه می‌کند، اما درعین‌حال با تحلیل دقیق، پاسخ‌های هوشمندانه و راهبردی می‌دهد.

در این چارچوب، روز جهانی و هفته گردشگری فرصتی استثنایی ایجاد می‌کند تا این مقاومت از سطح سخت و نظامی، به سطح فرهنگی و تمدنی ارتقا یابد. شاید در نگاه نخست، جنگ و گردشگری دو حوزه متضاد به نظر برسند؛ یکی روایت زخم و ایستادگی، دیگری بازنمایی زیبایی، سفر و زندگی، اما در افق تمدنی، این دو مکمل یک حقیقت‌اند. دفاع مقدس و جنگ ۱۲ روزه نشان دادند چگونه باید ایستاد؛ گردشگری نشان می‌دهد چگونه باید روایت کرد. ملت‌ها تنها با اسلحه نمی‌ایستند؛ ماندگاری آن‌ها در جهان از مسیر روایت و حافظه فرهنگی شکل می‌گیرد. گردشگری فرهنگی، یادمانی و جنگی می‌تواند این حافظه را به سرمایه‌ای جهانی بدل کند و تصویر ایران را از کشوری درگیر جنگ، به ملتی روایت‌ساز، فرهنگ‌آفرین و تمدن‌محور ارتقا دهد.



یادمان‌ها، موزه‌ها، مناطق عملیاتی و خاطرات شفاهی رزمندگان، در این مسیر نه فقط سرمایه ملی، بلکه دارایی جهانی‌اند. همان‌گونه که اندرسن در نظریه ملت‌های خیالی بیان می‌کند، ملت‌ها از طریق روایت و حافظه مشترک ساخته می‌شوند؛ ایران با بازنمایی این خاطرات زنده، نه تنها حافظه خود را تقویت می‌کند، بلکه مخاطب جهانی را با واقعیت مقاومت و فرهنگ ایرانی آشنا می‌سازد. این یادمان‌ها، خاکریزهای دیروز و موزه‌های امروز، پلی هستند میان زخم‌ها و امید، میان مقاومت و روایت، میان گذشته و آینده و این همان دیپلماسی فرهنگی است که می‌تواند تصویر ایران واقعی را به جهان عرضه کند. رسانه‌ها در این مسیر خط مقدم‌اند. اگر دیروز میدان نبرد عرصه توپ و تانک بود، امروز میدان جنگ، عرصه روایت و تصویر است. قلم روزنامه‌نگاران، دانشگاهیان و متفکران رسانه‌ای باید همچون ابزار استراتژیک عمل کند؛ نه برای تحریک احساسات گذرا، بلکه برای ساخت تصویری پایدار و معتبر از ایران در ذهن مخاطب جهانی. هر گزارش تصویری، مستند دیجیتال، مقاله تحلیلی یا محتوای چندرسانه‌ای، می‌تواند جبهه‌ای تازه در این نبرد روایت باشد. هفته دفاع مقدس و هفته گردشگری، در ظاهر دو مناسبت متفاوت‌اند، اما در حقیقت دو جریان هم‌افزا هستند؛ یکی روایت ایستادگی و خون، دیگری روایت فرهنگ و امید. هنگامی که این دو در کنار هم قرار گیرند، مانیفستی جامع از ایران امروز ساخته می‌شود: ایرانِ مقاوم، ایرانِ فرهنگی، ایرانِ الهام‌بخش برای جهان.

این تصویری است که باید در رسانه‌ها طنین‌انداز شود؛ تصویری که نشان می‌دهد ایران، ملتی است که از دل آزمون‌های سخت، به بلوغ رسیده و حافظه مقاومت خود را به سرمایه‌ای جهانی برای صلح، فرهنگ و دیپلماسی تبدیل کرده است.

جزیره لارک

نگین بکر خلیج فارس

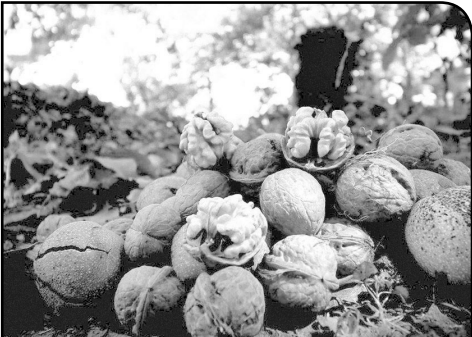
جزیره لارک با مساحت تقریبی ۴۹ کیلومترمربع، چهارمین جزیره بزرگ ایران به‌شمار می‌رود و در موقعیتی استراتژیک در جنوب‌شرق جزیره قشم و جنوب‌غرب جزیره هرمز واقع شده است. فاصله آن با قشم حدود ۱۶ کیلومتر، با پندرعباس ۳۱ کیلومتر و با جزیره هرمز ۴۲ کیلومتر است. این موقعیت، لارک را نه‌تنها به نقطه‌ای مناسب برای گردشگری دریایی تبدیل کرده، بلکه اهمیت آن را در مبادلات و راه‌های دریایی خلیج فارس نیز نشان می‌دهد. در مقایسه با جزایر دیگر استان هرمزگان، لارک طبیعتی آرام و بکر دارد. پوشش گیاهی کم‌ارتفاع، درختچه‌های کنار، نخل‌های پراکنده و مراتع ساحلی، فضایی شاعرانه و دلنشین به‌وجود آورده‌اند. مسیرهای ساحلی و کوهستانی جزیره، علاوه‌بر جذابیت‌های بصری، امکان پیساده‌روی، کوهنوردی و تجربه نزدیک با طبیعت را برای گردشگران فراهم می‌کنند. یکی از پدیده‌های شگفت‌انگیز لارک، فیتوپلانکتون‌های درخشان است که در شب‌های جزیره، سطح آب را به نور و رنگ آبی تبدیل می‌کند. این پدیده طبیعی، با هر جنبش آب یا گام رهگذران، همچون ستارگانی کوچک روی بستر دریا می‌درخشد و تجربه‌ای منحصربه‌فرد برای گردشگران و عکاسان فراهم می‌آورد.



بروید ویسرو د؛ با گردو و بلوط برگردید!

پیش‌بینی

سفر



ویسرو د روستایی جنگلی و سرسبز از توابع بخش سرگوراب شهرستان شفت در استان گیلان است که در فاصله ۲۷ کیلومتری شفت و ۴۴ کیلومتری شهر رشت (مرکز استان) در میان کوهستان قرار دارد.

وجه تسمیه روستا به گفته کهنسالان محلی برگرفته از دو واژه ویس (ویز) به اضافه رود به معنای محلی است که درختان گردو در اطراف رودخانه‌اش قرار دارد. ویسرو د یکی از دیدنی‌ترین روستاهای شهرستان شفت است که ورودی این روستا در مسیر جاده امامزاده ابراهیم واقع شده و وجود جنگل‌های بکر و دست‌نخورده در کنار درختان بلوط و گردو به این روستای سرسبز، طراوت و تازگی خاصی بخشیده است. زبان مردم روستا تالشی و شغل اکثر آن‌ها کشاورزی، دامداری، پرورش زنبور عسل و کرم ابریشم است.

زنان هنرمند روستا نیز علاوه بر این فعالیت‌ها به هنر قالی‌بافی هم مشغول‌اند و از این طریق به امرار معاش خانواده کمک می‌کنند. در سفر به روستای ویسرو د پیش از همه چیز مسیرهای پیاده‌روی بکر و سرسبز همراه با آبشارهای پر آب از جمله آبشار واژگاه، دره‌های باستانی و غارهای سنگی نظر هر طبیعت‌دوستی را به خود جلب می‌کند. دریاچه و سد سقالکسار، پارک فومن، قلعه رودخان، موزه میراث روستایی گیلان، پارک جنگلی سراوان، رودخانه سفیدرود و پارک ساحلی انزلی از مهم‌ترین جاذبه‌های دیدنی در اطراف ویسرو د است که بازدید از آن‌ها هنگام سفر به این منطقه خالی از لطف نیست.

برداشت شاه‌بلوط در ویسرو د معمولا از ابتدای فصل پاییز تا انتهای آن به طول می‌انجامد، فصلی که اهالی روستا دست به دست هم داده و حاصل زحمت یکساله خود را از دست درختان استوار بر زمین می‌ستانند؛ این فصل می‌تواند بهترین زمان سفر به این روستا باشد.

بیش از ۴۰۰ نفر از مردم این روستا دارای تحصیلی تا کاردانی تا دکترا هستند که یکی از باسوادترین روستاهای گیلان محسوب می‌شود. هرچند بیشتر این افراد امروز ساکن این روستا نیستند اما نشانه علاقه روستاییان این منطقه به علم و دانش است.

ویسرو د در زمینه‌های ورزشی همچون فوتبال و ورزش‌های رزمی نیز در سطح شهرستان شفت پیشتاز بوده است. شغل بیشتر مردم این روستا دامداری و باغداری و پرورش کرم ابریشم می‌باشد.

علیرضا غفاری / وقتی صحبت از گز می‌شود، ناخودآگاه نام «گز بلداجی» در ذهن‌ها نقش می‌بندد و کام انسان شیرین می‌شود.

فصلان تولید گز در بلداجی بیش از نیم قرن است که توانسته‌اند با ورود به این عرصه و ثبت برند «گز بلداجی»، بازار گز در ایران و جهان را متحول کنند و بخشی از مشکل اشتغال کشور را رفع و به رونق اقتصادی منطقه کمک کنند.

گز یکی از مهم‌ترین تقلات شیرین و فرآورده‌های سنتی ایران به‌شمار می‌رود که تولید آن به دوره قاجاریه بازمی‌گردد و در زمان آقامحمدخان قاجار توانست به‌عنوان یک کالای صادراتی به جهان عرضه شود.

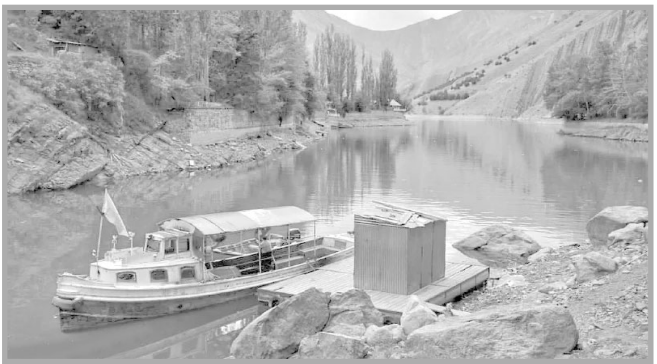
گز در دوره‌های مختلف تاریخی دارای معانی فراوانی بوده که یکی از مشهورترین و معروف‌ترین آن‌ها نام درختچه‌ای است که حدود ۳۰ گونه از آن تاکنون شناسخته شده و گزانگبین معروف‌ترین گونه این درختچه است که در مناطق کویری یعنی اطراف اصفهان، خوانسار و برخی مناطق استان چهارمحال و بختیاری ازجمله شهر

روستاگردی

ونیز بیخ گوش تهران!

تنها راه رسیدن به واریان، راه آبی‌شود. قایق، جای خودرو را گرفت و آرام آرام، واریان به روستایی تبدیل شد که دیگر بوق ماشین در آن نمی‌پیچید و نفس کشیدن در هوا بیش بوی طبیعت می‌داد، نه دود و دی‌اکسیدکربن.

امروز اگر از پل فردیس وارد جاده



آبی ایران» را با افتخار بر دوش می‌کشند. واریان این روستای سرسبز و بی‌صدای، زاده یک جابه‌جایی بزرگ است. روزگاری نه‌چندان دور، پیش از تولد سد امیرکبیر در سال ۱۳۳۴، واریان و چند روستای دیگر چون رزکان و کوشک بالا، در بستر رودخانه کرج قرار داشتند. جایی پررونق با بیش از ۵۰۰ خانوار که در دل گوه و باغ و زمین، زندگی می‌کردند و شهرک‌وار، نبض حیات منطقه را در دست داشتند. اما با آغاز پروژه سدسازی، این روستا در برابر یک سرنوشت مهندسی‌شده، سر خم کرد. بخش بزرگی از آن به زیر آب رفت و اهالی ناچار به کوچ به ارتفاعات بالاتر شدند. از آن پس،



بلداجی در شهرستان بروجن رشد می‌کند و از عصاره درخت انگبین برای تولید گز استفاده می‌شود. گز، از روزگاران قدیم با استفاده از مواد اولیه طبیعی و به‌کار بردن وسایل و روش‌های سنتی تولید می‌شد اما امروزه صادرات این محصول به خارج از کشور، نیازمند رعایت استانداردهای بین‌المللی برای تولید این شیرینی مخصوص است.

پیش به سوی شیرین‌ترین شهر کشور

شیرینی گز، برای نخستین بار در اصفهان از طریق مخلوط‌کردن شکر، گزانگبین، سفیده تخم‌مرغ و مغز پسته و بادام تولید شد اما یکی از مناطقی که توانست نام و شهرت ویژه‌ای در تولید گز پیدا کند و بسیاری از بازارهای داخلی و حتی خارجی را به‌دست آورد، گز «بلداجی» در چهارمحال و بختیاری است.

بلداجی یکی از شهرهای شهرستان بروجن و در ۷۰کیلومتری شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری واقع شده و بیش از ۹۰ کارگاه کوچک و بزرگ تولید گز با اشتغال یک‌هزار نفر دارد که از این تعداد ۱۵ کارگاه در شهرک صنعتی مستقر و بقیه در سطح شهر مشغول تولید هستند.

نخستین کارگاه گزسازی بلداجی در سال ۱۳۵۲ ازسوی احمد طهماسبی و برادرانش تأسیس و راه‌اندازی شد.

بخشی از تولیدات گز بلداجی به کشورهای

تپه آریایی‌ها، واقع در ۳۵ کیلومتری شمال‌شرقی خوانسار در روستای رحمت‌آباد، نه‌تنها یک جاذبه تاریخی – طبیعی، بلکه گواهی زنده بر قدمت تمدن بشری در این منطقه است. این تپه باستانی، با قدمتی بالغ بر ۸ هزار سال، روایتگر داستان شکل‌گیری و تحول تمدن‌های گوناگون در طول تاریخ است.

کاوش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که تپه آریایی‌ها در دوران باستان مأوای انسان‌های اولیه بوده است. غارهای موجود در دل تپه، نشان از فعالیت‌های روزمره این ساکنان کهن، ازجمله شکار و کشاورزی دارند. تپه آریایی‌ها، بدین‌ترتیب، نه‌تنها یک اثر تاریخی، بلکه یک سند معتبر از زندگی و فعالیت انسان در دوران باستان است.

تپه آریایی‌ها در هر فصلی از سال زیبایی خاص خود را دارد، اما جلوه آن در پاییز بی‌نظیر است. در این فصل، رنگ‌های زرد، نارنجی و قرمز درختان اطراف، تپه آریایی‌ها را در میان خود به تابلویی خیال‌انگیز بدل می‌سازد. بازدید از این تپه در یک روز پاییزی، فرصتی است برای غرق‌شدن در تاریخ و لذت‌بردن از زیبایی‌های طبیعت.

جذاب برای طبیعت‌گردان و عاشقان آرامش است. پوشش گیاهی مترافم، درختان بلند، کوهستان‌های مه‌گرفته، باغ‌های میوه در تابستان، رودهای فصلی، آبشارها و حضور حیواناتی مانند قوچ، بز، پروانه‌های رنگی و جیرجیرک‌ها، این روستا را به بهشتی گمشده در دل البرز تبدیل کرده است.

در واریان، هیچ خودرویی اجازه ورود ندارد؛ نه دوچرخه، نه موتورسیکلت. همین قانون نانوشته، واریان را به یکی از پاک‌ترین نقاط ایران از نظر هوای تنفسی تبدیل کرده است. اگر روزی به این روستا رفتید، شب را با صدای جیرجیرک و روز را با آواز پرندگان بیدار خواهید شد.

گردشگری خوراک

ارمنستان، حوزه خلیج فارس و مالزی صادر می‌شود و دو فروشگاه دائمی عرضه گز بلداجی

هم در کشورهای عمان و روسیه فعالیت دارند.

و بختیاری می‌توانند یکی از شیرین‌ترین، دلپذیرترین و دلجسب‌ترین شیرینی‌های دنیا. یعنی «گز» را به‌عنوان سوغات این استان تهیه کنند تا شیرینی خاطره‌های به‌یادماندنی آنان در بام ایران دوچندان شود. پیش‌تر سالانه حداقل ۱۵ هزار تن گز تولید و روانه بازارهای داخلی و خارجی می‌شد که یک‌چهارم آن مختص نوروژ بود.

اما در شرایط کنونی به‌علت نوسانات اقتصادی و سیلا رفتن نرخ خرید مواد اولیه، قیمت تمام‌شده گز افزایش یافته، به‌آزار آن با رکود مواجه شده و فروش تولیدات تا ۵۰ درصد کاهش پیدا کرده است.

گفته می‌شود که این‌ تپه محل زندگی اقوام پیشین بوده است. در گذشته، غارهایی در دل این تپه تاریخی قرار داشته که از زیر تپه به هم متصل می‌شدند و انسان‌ها در آن‌ها زندگی می‌کردند.

تپه تاریخی آریایی‌ها دارای ارزش باستان‌شناسی است؛ چرا که زمانی در ۵ طبقه، ما‌وا و مسکن آریایی‌ها بوده است و هنوز بقایای این خانه‌ها و درهای خشتی آنان به شکل غارهایی در دل آن نمایان است و می‌توان از دل این غارها، روستای رحمت‌آباد را مشاهده کرد.

طی گذشت سالیان طولانی و برخلاف درخواست پی‌درپی ساکنان روستا، مسئولان سازمان میراث‌فرهنگی استان اصفهان از این تپه بازدید نکرده‌اند و اکنون تنها گوشه‌هایی از این تپه باارزش باقی مانده است.

برای دسترسی به این مکان، باید به منطقه رحمت‌آباد در خوانسار در شمال غرب استان اصفهان سفر کنید.

میراث

تپه آریایی‌ها کجاست؟